



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

محمود علی پور

هالیوود

ویرگزاری کلاس سحروجادو

بررسی تاریخ و نقش هالیوود در ترویج تصوف یهودی



اشاره

یکی از راه‌های ترویج و تبلیغ عرفان‌های بدلی و به ویژه مباحث متافیزیکی در عصر کنونی، رسانه و سینماست. هالیوود به عنوان بزرگ‌ترین مرکز تولید سینمایی دنیا توجه ویژه‌ای به برخی از عرفان‌های بدلی و دروغین دارد. یکی از این عرفان‌ها، تصوف یهودی یا کابالیسم است. این نوشتار درباره تاریخ کابالیسم و ترویج روزافزون آن در سینما و به ویژه هالیوود و اهداف پشت‌پرده آن به اجمال سخن می‌گوید.

تلاش برای تفسیر عرفانی متون مذهبی یهود و یافتن روحانی معنای تورات. قباله، نظامی رازآلود در دین یهود است که مدعی بینشی عمیق تر از جهان است.^۱ قباله بر دریافت و ادراک عمیق ده فرمان خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) و حوادث تشریح شده در تورات تأکید دارد. براساس دیدگاه علمای یهود، کابالا یک روش متافیزیکی است که فرد برگزیده از طریق آن، خدا و کائنات را می‌شناسد. این اسرار همه در کتاب مقدس محفوظند، که با نسبت‌های ریاضی و استفاده از جادو و علوم غریبه از متن کتاب به دست می‌آیند.^۲

در خداشناسی قبالایی، نه تنها دیدگاه تکثر خدایان وجود دارد، بلکه خداوند، صورت دوگانه مذکر و مؤنث به خود گرفت: **Hokhmah** و **binah**؛ پدر و مادر آسمانی، اولین شکل‌های خدایی بودند! کابالیست‌ها برای توضیح چگونگی آمیزش دو خدای اولیه و ایجاد آفرینش بعدی، به صراحت از استعاره‌های جنسی استفاده می‌کنند.^۳ براساس این خداشناسی سری، بشر آفریده نشده، بلکه خود به گونه‌ای خداست! «کابالا تصور پیچیده خدا را به گونه دیگری می‌داند؛ به گفته یک کابالیست، خدا اولین انسان ازلی و نمونه اولیه آن بود.»^۴

کتاب ظُهر یا زوهر (Sefer ha-Zohar) مهم‌ترین کتاب کابالا، که آن را به صورت نظامی منسجم در آورد، ظُهر یا زوهر^۵ است. این کتاب، تفسیری رازآلود بر تورات است که در قرن ۱۳ میلادی



رسانه با منطق پر مغلطه خود، چنان فکرش را به نمایش می‌گذارد و آنچه‌ان سحری می‌کند که مخاطب او را نه صرفاً رسانه‌ای محرم، بلکه پیام آوری صدیق می‌داند که باید بر آیین وی شهادتین را جاری کند و متدین به پیام‌های وحی‌انگارانه او باشد.

بر دیدگاه و جهان بینی مخاطب، اثری عمیق‌تر برجای می‌گذارد؛ اثری که دیگر، آنی و زودگذر نیست. رسانه با منطق پر مغلطه خود، چنان فکرش را به نمایش می‌گذارد و آنچه‌ان سحری می‌کند که مخاطب، او را نه فقط رسانه‌ای محرم، بلکه پیام آوری صدیق می‌داند که باید بر آیین او شهادتین را جاری کند و متدین به پیام‌های وحی‌انگارانه او باشد. مکتب کابالیسم یکی از مکاتب انحرافی یهود است که توسط هالیوود و رسانه‌های دنیا به آن پرداخته می‌شود.

قباله / کابالا (Qabbalah/kabbalah) کابالا تلفظ اروپایی قباله عبری است به معنای «قدیمی و کهن». این واژه به تصوف یهودی اطلاق می‌شود و بنا بر نظر خاخام‌های یهود، عبارت است از:



مکتب‌سازی و تقلید از الگویی پرورده شده، همیشه در رسانه‌ها رایج بوده است. تقلید از رفتار، لباس، مدل آرایش و حتی لهجه بازیگران و گزارشگران، یکی از غیرقابل انکارترین اثرات رسانه‌هاست. در این بین، تقلید از یک فرد یا آیین و مسلک، حرف تازه‌ای نیست؛ اما نوع دیگری از ترویج مکاتب انحرافی در رسانه‌ها این است که به جای ساختن برنامه‌ای مستند برای جذب مخاطب به فلان دین یا مذهب، فکری را پرورده و با مخاطب‌شناسی و نیازشناسی او، آیینی را به خورد مخاطب می‌دهد. این بار مخاطب، دین هندو یا بودا یا یهود یا مسیحیت یا... را نمی‌شناسد؛ بلکه به آن معتقد می‌شود! وقتی زنجیرهای نامرئی رسانه و سینما، فکر را اسیر می‌کند، مجالسی برای اندیشیدن نمی‌گذارد تا فرد به انتخاب صحیح برسد. این تأثیرگذاری مستقیم،



بر اساس خدانشناسی سری کابالایی بشر آفریده نشده، بلکه خود به گونه‌ای خداست!

الهام از نظرات اسحاق کور، در شهر «گرونا» یک مرکز فعال تصوف یهودی ایجاد کرد. این مرکز در پیدایش فرقه کابالا و گسترش آن در سراسر شبه جزیره ایبری (شامل اسپانیا، پرتغال و جنوب غربی فرانسه) و تولید انبوهی از رساله‌های کابالی نقش اصلی را ایفا کرد. مورخان یهودی، جایگاه نهماندس را در پیدایش و اشاعه کابالا مهم و تعیین کننده می‌دانند.^{۱۷} در قرون بعد، ترویج ادبیات کابالایی، باعث فزونی گرفتن شور مسیحایی و ترجمه توراتی انجیل در بین مسیحیان و یهودی شدن هر چه بیش تر تفاسیر مسیحی شد. این روند با ایجاد «کابالیسم مسیحی» توسط «کت جیوانی پیکودلا میرانولا»^{۱۸} که از نامدارترین و مؤثرترین چهره‌های فکری رنسانس و از بنیانگذاران دانش شرق‌شناسی هم به شمار می‌آمد، سرعت شتابنده‌تری به خود گرفت. او دوستانی از علمای یهودی قبالایی داشت و پیوندهای زیادی با آنان برقرار کرده بود. از جمله یهودیان مؤثر بر وی «یوحنان بن اسحاق المانو»، «فلاویوس میتریداتس» و «الیسا دلمدیگو» بودند.^{۱۹} این تفکرات در قرن هفدهم میلادی به شعارهای اصلی استعمار و تجارت ماوراء بحار انگلیس تبدیل شد و در پیدایش موج مهاجرت مسیحیان به سرزمین جدید (امریکا) و تار و مار ساکنان اصلی آن سرزمین (سرخپوست‌ها) مؤثر بود. مجموعه این عوامل، در قرن نوزدهم باعث شکل‌گیری امپراتوری جدید جهان (بریتانیای کبیر و سپس امریکا) شد؛ امپراتوری‌های دنیاگرایی که بر پایه‌های اندیشه برتری نژادی و غضب گستره امریکا و استرالیا از بومیان و کشتار شصت میلیونی آن‌ها و تجارت ماوراء بحار و دزدی دریایی و برده‌کشی وسیع سیاه‌پوستان و استعمار ملل آسیایی



ممالیک ترک در مصر و بازماندگان عباسیان در بغداد می‌آوردند. پیوند سران دنیاطلب یهود و قدرت مداران مسیحی در این دوران بسیار زیاد شده بود. کابالائیان نیاز داشتند با ترویج ادبیات مسیحاگرایی و معرفی مسلمانان به عنوان شر و کفار شیطان صفت، انسجام بیش‌تری به جنگجویان صلیبی در اندلس و غرب اروپا بدهند تا در نبرد علیه مسلمانان پیروز شوند.^{۱۵} جیمز فاتح (جیمز اول پادشاه آراگون در شمال اسپانیای کنونی، که با الیگارشی یهودی رابطه نزدیک داشت)، در مبارزه صلیبی علیه مسلمانان در اوایل قرن سیزدهم میلادی (حدود ۶۲۷ هجری)، نقش مهمی ایفا کرد. در دربار جیمز، یهودیان ثروتمند زیادی حضور داشتند، از جمله یهودا لای (جودا دلا کوالریا) که وزیر امور مالی وی بود. در تهاجم جیمز به سرزمین‌های اسلامی، این یهودیان نقش مهمی ایفا کردند و حکومت شهرهایی که به اشغال سپاهیان جیمز درمی‌آمد، به ایشان واگذار می‌شد. در این زمان یک خاخام یهودی به نام «موسی بن نهمان» در دربار جیمز، به عنوان مشاور و دوست مطمئن وی حضور داشت. او معروف به «نهماندس» (۱۱۹۴-۱۲۷۰) بزرگ‌ترین مقام دینی (یهودیان) عصر خود در اسپانیا به شمار می‌رفت. در اسپانیا زمانی که از «ربی» به معنای مطلق کلمه، سخن می‌رفت، منظور نهماندس بود.^{۱۶} او یک نام اسپانیایی نیز داشت: «بناستروگ داپورتا». وی با

به زبان آرامی نوشته شده است. نویسنده این کتاب، یک یهودی اسپانیایی به نام «موسی بن شم تاولوونی»^{۱۶} است که در سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۸۶ آن را نوشت و برای معتبر کردن کتاب خود مدعی شد که آن را بر اساس متن کشف شده‌ای از قرن دوم میلادی اثر یک خاخام یهودی به نام «شمعون بن یوحای» نوشته است. اما این ادعا مورد تردید جدی پژوهشگران است و آن‌ها این کتاب را حداکثر محصول سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۰۰ میلادی می‌دانند.^۷ کتاب زوهر مشتمل بر ۲۴ فصل است.^۸ کابالیست‌ها کتاب زوهر را به سان کشتی نوح^۹ می‌دانند که حاملان خود را از توفان نجات می‌دهد و می‌گویند: خداوند نخستین بار از طریق شعله آتش، خود را بر موسی^{۱۰} ظاهر کرد، ولی بر موساهای پسین (!) از طریق «نور توره» ظهور می‌کند و آن انکشاف رازهای کابالاست. مفاهیم رازآمیز این کتاب، سرشار از پیشگویی درباره سرنوشت و «رسالت الهی» و آینده ملوکانه قوم یهود است.^۹ بحث‌های مسیحاشناسی و موعودگروانه و مباحث شیطان‌شناسی و خدانشناسی متأثر از نژادپرستی یهود، در این کتاب موج می‌زند که در شکل‌گیری تفکر صهیونیسم تاریخی یهود^{۱۱} و مسیحیت صهیونیستی مؤثر بود.^{۱۱}

قبالایی‌ها و قدرتمندان اروپا

در نظر محققان،^{۱۲} شروع مباحث کابالا به اوایل قرن سیزدهم میلادی می‌رسد. عالمی یهودی به نام اسحاق کور^{۱۳} (۱۲۳۵-۱۱۶۰) در جنوب فرانسه می‌زیست و برخی دیدگاه‌های عرفانی بیان می‌کرد. مفهوم «عین صوف»^{۱۴} ساخته اوست که به معنای «لایتناهی» است. او در زمانه‌ای می‌زیست که جنگ‌های شدیدی علیه اندلس اسلامی به نام «بازپس‌گیری اسپانیا از مسلمانان» در حال انجام بود. در همین زمان بود که خلافت عباسی در بغداد به وسیله هلاکوخان مغول سرنگون شده و بوداییان مغول در اتحادی همسو با صایبیون اروپا، فشار فراوانی به دولت

کابالیست‌ها کتاب زوهر را به سان کشتی نوح می‌دانند که حاملان خود را از توفان نجات می‌دهد.

بنا نهاده شد.^{۲۰} ادبیات فراماسونری و فرقه‌های مخفی دیگر اروپا و امریکا و استرالیا نیز بیانگر تأثیرپذیری شدید ماسون‌ها از کابالا می‌باشد. «کاوی کرامپ»، ماسون درجه سی ام، ثابت می‌کند فراماسونری از میان بناهای قرون وسطی برنخاسته بلکه تأثیر کابالیسم بر آیین رازورانه ماسونی بیش از هر فرقه و سنت دیگری است.^{۲۱}

کابالا و بت پرستی و شرک باستان

هارون یحیی^{۲۲} می‌نویسد: بنی اسرائیل زمانی که موسی علیه السلام هنوز در قید حیات بود، به ساخت بت‌هایی از آنچه در مصر دیده بودند، پرداختند و به عبادت آن‌ها مشغول شدند! پس از مرگ موسی علیه السلام دیگر ترسی از برگشتن از دین و انحرافات نداشتند، این موضوع را نمی‌توان به همه یهودیان تعمیم داد، به همین سبب، بعضی از آنان بت پرستی مصر باستان را پذیرا شدند. در واقع آنان عقاید «کاهنان مصر» یا همان «جادوگران فرعون» را - که بنیاد عقاید اجتماعی آن زمان را تشکیل می‌داد - ادامه دادند و ایمان خود را کنار گذاشتند. عقایدی که یهود از مصر باستان با آن آشنا شد، بعدها ذیل نام «کابالا» ادامه یافت. ساختار کابالا درباره آفرینش، با آنچه در تورات است، کاملاً متفاوت می‌باشد و تفسیری ماده گرا و مبتنی بر عقاید مصر باستان بوده و به وجود ابدی ماده عقیده دارد.^{۲۳} «مورات ازجن» از فراماسونری‌های ترکیه در این باره می‌نویسد: «تفسیر کابالایی از تورات، با داستان آفرینش مذاهب توحیدی بسیار متفاوت می‌باشد.»

محقق امریکایی «لنس اس. اوینز» در یکی از کتاب‌های خود درباره کابالا دیدگاه خویش را درباره ریشه احتمالی این تعالیم چنین بیان می‌کند:

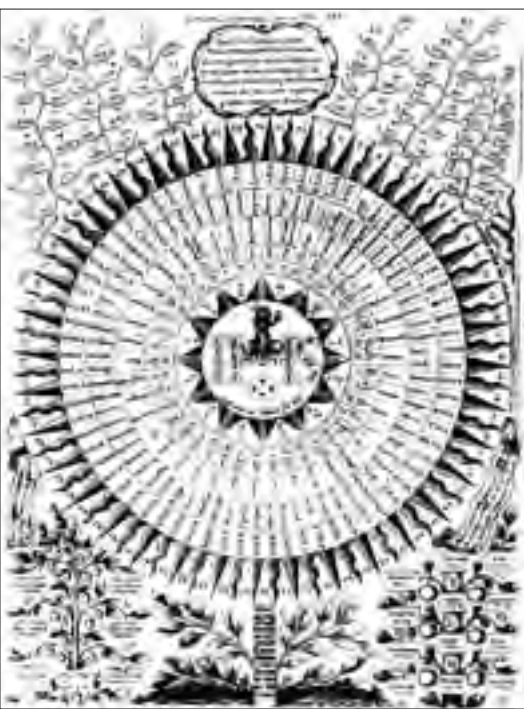
«تعالیم کابالا مفاهیم مختلفی درباره خدا ارائه می‌دهد که بسیاری از آن‌ها شده‌اند. چگونگی نزول خداوند از مقام یکتای لایتناهی به تعدد خدایان، معمایی است که کابالیست‌ها بسیار در آن تعمق کرده‌اند. بدیهی است این تصویر چند چهره از خدا، راه را برای مُشرک خواندن کابالیست‌ها باز می‌کند؛ اتهامی که آن‌ها را به تندی و نه کاملاً با موفقیت رد کرده‌اند.»^{۲۴}

کابالیسم جادویی، جادوی حروف و ترکیب ریاضیات و علوم غریبه

کابالا پس از تدوین، به تعالیمی پنهانی در یهودیت مبدل شد، اما با تورات راستین که خداوند هدایت و نور را در آن قرار داده بود^{۲۵} مغایرت داشت؛ به همین سبب در انحراف یهودیت به سمت دنیاگرایی و جادو بسیار مؤثر بود. در قرآن کریم هم به سحر و جادوی مرسوم بین یهودیان اشارتی رفته است.^{۲۶}

آنان می‌گویند: «آنچه که در مقوله حواس ما قرار می‌گیرد، می‌تواند در جهان مادی نیز تجلی یابد.»^{۲۷} کابالا را می‌توان ادامه سنت تفسیر رازآلود تلمود (کتاب تفاسیر شفاهی تورات که کم‌کم مکتوب شده و هنوز هم بر حجم آن افزوده می‌شود و برای یهودیان بسیار پراهمیت است) دانست. پیش از کابالا، دانشمندان یهود در متون تلمود به دنبال رازهای پنهانی می‌گشتند و این روند به جایی رسید که آن‌ها تلاش کردند با استفاده از کابالا به بررسی شیوه‌های کنترل ارواح بپردازند. کابالا در اکثر موارد، بحث‌هایی از ریاضی و علوم غریبه هم دارد، یعنی طی آن با جایگشت یا بدون جایگذاری بیست و دو حرف الفبای عبری به این روند، تلاش می‌شود تا روابط ریاضی بین اعداد و حروف کشف شود، برای مثال: معتقدان به کابالا می‌کوشند تا با استفاده از ترکیب حروف و جمع و تفریق اعداد و استفاده از قواعد ابجد و تلاعب و بازی اعداد و کلمات عبری،

رازهایی چون «چگونگی صدور انسان که وجودی ناقص دارد، از خداوند که موجودی کامل است» را حل کنند. در حالی که بعضی، عالمان تصوف یهودی را در قلمرو متعالی متافیزیک می‌پندارند و برخی مجذوب جنبه علمی و ریاضی کتب کابالا شده‌اند و دانستن راستین کابالا، به تدریج اهمیت خود را در جهان مسیحی از دست داده، هنوز جادوگرانی وجود دارند که «تفال از مکتوبات مقدس»^{۲۸} و صناعت طلسم و کارهای خارق عادت و کرامات کابالایی، اندیشه آن‌ها را به خود مشغول کرده و روایات عجیبی درباره استادان زبردست یهودی شایع شده است. برای نمونه، می‌گویند که «الیا اوچلم»^{۲۹} استاد یهودی قرن شانزدهم، به یاری سفر خلقت (Yezirah) یک آدم مصنوعی یا گولم (Golem) به معنای تحت‌اللفظی ماده بی‌شکل) ساخته و با نوشتن نام سری خداوند بر پیشانی مجسمه گلی، به آن جان داده بود! چنین عمل عجیبی را به «رابی یهودا لای بن بزلال پراکی»^{۳۰} هم نسبت می‌دادند که وقتی متوجه شد





امریکایی (!) به اسم «پروفیسور رابرت لنگدن» درگیر ماجرا شده است؛ زیرا در میان کلمات رمزی که «سونیه» از خود در کنار جسدش بر جای گذارده، نام «لنگدن» هم وجود دارد. در زدوخوردها و فراز و نشیب داستان، گوشه‌هایی از راز مذکور بر آن‌ها معلوم می‌گردد. در ادامه ماجرا، آن دو به ویلای یکی از دوستان لنگدن به نام «سر لی تیبنینگ»

یهودیان نیاز داشتند با ترویج ادبیات مسیح‌گرایی و معرفی مسلمانان به عنوان شر و کفار شیطان صفت، انسجام بیش‌تری به جنگجویان صلیبی در اندلس و غرب اروپا بدهند تا در نبرد علیه مسلمانان پیروز شوند.



مسابقه اسرار حروف در مدرسه برنده شده است، سعی می‌کند نیروی وی را در جهت‌های مذهبی هدایت کند تا از این طریق نامه‌ای به خدا نوشته، بتواند با او ارتباط برقرار کند. این در حالی است که پسر خانواده با عقاید مذهبی پدرش مخالف است و همسر خانواده «مریام» از بیماری روحی رنج می‌برد. اما دخترک با حروف عبری می‌تواند طبق مضامین عرفانی دین یهود (کابالا) با خدا ارتباط برقرار کند.

در فیلم، آشکارا اشاره‌های متعددی به تصوف یهودی-که بنیاد فکری صهیونیسم است- می‌شود؛ از جمله در صحنه‌ای که دختر مشغول ارتباط با خدا از طریق حروف است و شاهدیم که پس از تصاویری از عبارات و حروف انگلیسی، در نهایت کلمات و حروف عبری از تورات و یا شاید از یک کتاب کابالایی-که مدام پدر از آن با دخترک صحبت می‌کند- نمایان می‌گردد. تأکیدات متعدد استاد مزبور بر «کابالا» و رمز و راز حروف نیز مؤید کابلیستی بودن این فیلم است. صحنه‌های دیگری هم گویای این مطلب است، از جمله درخت سفیروتی که استاد بر روی تخته کلاس به تفسیرش می‌پردازد و عبارت عبری «تعمیر جهان» یا «وحدت کثرات» که از متون تلمودی بیرون می‌کشد و حقیقت این نظریه را زوانه می‌داند.

نمودهای کابالیستی فیلم رمز داوینچی (Da Vinci Code)

این اثر جنجالی را «ران هاوارد» با بودجه صد میلیون دلاری کارگردانی کرد. «اکیوا گلدزمن» نویسنده فیلمنامه آن بود که بر اساس رمان «رمز داوینچی» نوشته «دن براون»، داستان را پیش برد. «سونیه» از رهبران خانقاه صهیون و مسئول موزه لوور پاریس به دلیل افشای راز مهمی که قصد داشته آن را در اختیار نوه‌اش بگذارد، به قتل می‌رسد، اما در هنگام مرگ با نشانه‌هایی سعی می‌کند تا نوه خود سوفی (که رمزشناس پلیس در پاریس است) را از رازی باخبر سازد؛ ولی قبل از او، یک نشانه‌شناس

آدم مصنوعی او بیش از حد رشد کرده و به هیولایی بدل شده است، نام اعظم خدا را از پیشانی او پاک کرد و باز گولم را به شکل توده‌ای بی‌جان درآورد! این موضوع ادعایی، ثابت می‌کرد که اعجاز فقط در اسم اعظم با حروف عبری بوده است.^{۳۱}



بررسی فیلم اسرار حروف (Bee Season)

کارگردانان این فیلم «اسکات مک گهی» و «دیوید سیگال» هستند.^{۳۲} این فیلم محصول امریکاست و در سال ۲۰۰۵ در مدت ۱۰۴ دقیقه تولید شده است. دو زبان عبری و انگلیسی در این فیلم به کار رفته‌اند. فیلمنامه آن بر اساس رمانی از «میلا گلدبرگ» به نگارش درآمده است. این رمان که پر فروش‌ترین کتاب سال ۲۰۰۰ شناخته شد، درباره خانواده‌ای است که دارای دختری یازده ساله به نام «الیزا» هستند. پس از این‌که قدرت دخترک در تلفظ لغات در مسابقه هجی کردن، شناسایی می‌شود، در مسابقات جهانی «اسپل حروف» شرکت می‌کند. با این حال افزودن قدرت مذهبی به دختر، اتفاقی است که در فیلم «اسرار حروف» نسبت به کتاب آن پررنگ‌تر جلوه‌گر می‌شود. پدر «الیزا» به نام «سائول» (همان طالوت) در رشته مذهبی تحصیل کرده است. پدر وقتی متوجه می‌شود که دخترش در

فرد و آن هم یک زن به نام «مریم مجدلیه» است که برخلاف تاریخ موجود، همسر حضرت عیسی علیه السلام شده و از او نسلی به وجود آورده است. به همین سبب، او از اورشلیم (بیت المقدس) گریخت و در فرانسه توسط یهودیان محافظت شد! قرن‌ها بعد نسل او یعنی همان فرزندان مسیح، با سلسله‌ای از پادشاهان فرانسه

«مورات از جن» از فراماسون‌های ترکیه می‌نویسد: «تفسیر کابالایی از تورات، با داستان آفرینش مذاهب توحیدی بسیار متفاوت است.»

در آمیختن که یکی از نوادگانشان، همان «گاد فری دبولیون» فاتح اورشلیم و بنیانگذار «انجمن اخوت خانقاه صهیون» بوده است. او برای حفاظت از اسنادی که افشاگر راز مریم مجدلیه است، شوالیه‌هایی را به نگهبانی از آن‌ها می‌گمارد و یهودیان انجمن، در طول تاریخ، حافظ آن راز و فرزندان مسیح شده‌اند تا مسیحیت واقعی به دور از تعرض کلیسا باقی بماند.

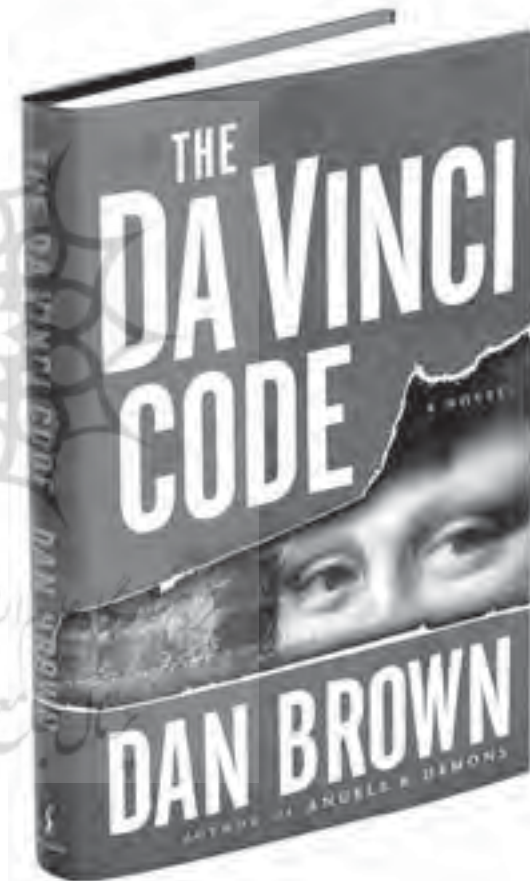
علی‌رغم جو سنگین تبلیغات جهانی درباره این فیلم (که در داستان رسانه‌های صهیونیسم بین‌المللی می‌باشد)^{۳۴} که آن را اثری ضد مسیحی جلوه دادند. چرا که تئوری ازدواج مسیح را مطرح می‌کرد و علیه فرقه‌ای از مسیحیت بود. داستان فیلم اساساً درباره یک فرقه پنهانی کابالی به نام «انجمن اخوت خانقاه صهیون» است. این فرقه حوالی سال ۱۰۹۹ م، توسط یکی از شاهان فرانسه به نام «گاد فری دبولیون» پس از تصرف اورشلیم، برای حفظ رازی مهم تأسیس شد. آن راز، وجود فرزندان عیسی مسیح (علیه‌السلام) پس از اوست که از نسل مریم مجدلیه به وجود آمده‌اند!

سمبل‌ها و تفکرات و نمادهای کابالیستی در جای‌جای این اثر، جریان دارد. به علاوه در این اثر، تأکید زیادی بر اجزای علامت اصلی صهیونیسم (ستاره داوود) و تفسیر آن می‌شود. همچنین در این اثر به دفعات متعدد تلاش می‌شود علائم شیطانی و شرک آمیز، نشانه‌های موعود تعبیر شوند؛ کاری که در فیلم‌های آخرالزمانی دیگر هالیوود نیز صورت می‌گیرد. این تأکید از همان صحنه‌های اولیه که «لنگدن» همراه «بازرس فاشه» وارد موزه شده و درباره هرم ۶۶۶ تکه‌ای صحبت می‌کنند، شروع می‌شود. عدد ۶۶۶ در برخی کتاب‌ها و اغلب فیلم‌های ژانر وحشت، علامت شیطان معنا شده، مانند «طالع نحس»؛ ولی در «رمز داوینچی» این تعبیر به طور آشکار برعکس می‌شود!

فرقه مخفی یهودی این فیلم، براساس شواهد تاریخی، التقاطی از کابالا و فرانکیسم (از لحاظ نمایش مناسک جنسی و تفکرات فمینیستی) است. این قبیل فرق، از اوایل قرون وسطی و حاکمیت کلیسا، از دل جامعه منزوی یهودیان بیرون آمدند و اساس تفکراتشان بر تلفیق مسیحیت و یهودیت برای از انزوا بیرون کشیدن هم‌کیشانان و نفوذ در بین مسیحیان بود.

بررسی فیلم پی (Pi)

این فیلم سیاه و سفید که به کارگردانی «دارن آرنوفسکی» در سال ۱۹۹۸ ساخته شد، محصول کشور امریکاست و «مکس



پناه می‌برند. او تاریخ‌شناس برجسته کالج سلطنتی انگلیس است که از سوی ملکه لقب شوالیه گرفته و تحقیقات مفصلی درباره همان راز مهم دارد. «سرلی» برای «سوفی» اسرار انجمن مخفی را برملا می‌کند. وی با تکیه بر تابلوی «شام آخر» لئوناردو داوینچی، ادعا می‌کند مقصود از «جام مقدس» که سالیان زیادی محل بحث مسیحیان بوده است، یک شیء نیست، بلکه یک

اعظم خدا هستند، به خود جلب می‌کند. در پایان، تنها کسی که با تکیه بر تکنولوژی رایانه‌ای و علم ریاضیات به این حقیقت می‌رسد، «مکس» است. او تمامی رنج‌های بشری را تحمل می‌کند و به مبارزه با گروه‌های تندرو مذهبی و شیطان‌های برون و درونش می‌پردازد.

مکس

در فیلم، رؤیا و واقعیت به هم می‌پیوندند و کابوس‌های «مکس» و زندگی واقعی‌اش در هم می‌آمیزد. در پایان به نظر می‌رسد که او از جستجو در اسرار الهی دست برمی‌دارد و رستگار می‌شود. وی در پاسخ رهبر یهودی که عقیده دارد یک انسان پاک باید این رمز ۲۱۶ رقمی را برای ظهور مسیح بگوید، می‌گوید: من ملکوت آسمان‌ها را دیده‌ام! من همه چیز را دیده‌ام!



مرکز آموزش کابالا در هالیوود!

بنیانگذار و رهبر این فرقه که امروزه عملاً بر هالیوود حکومت می‌کند، یک یهودی ۷۵ ساله به نام «فیوالم گروبرگر» است. او ۳۵ سال پیش، نام خویش را به «فیلیپ برگ» تغییر داد و به کمک معشوقه سابق و همسر آموزش «کارن»، سازمان «مرکز آموزش کابالا» را تأسیس کرد و خود را رهبر طریقت کابالا خواند. به گزارش «پل اسکات» از روزنامه «دیلی میل» فیلیپ برگ، برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ دفتر کار خویش را در اورشلیم (بیت المقدس) گشود و سپس کار خود را در لس آنجلس و در نزدیکی هالیوود ادامه داد. دفتر مرکزی فرقه در بلوار رابرتسون، واقع در جنوب شهر بورلی هیلز (در حومه لس آنجلس و نزدیک هالیوود) واقع است، این رهبر «خودخوانده» فرقه کابالا فعالیت خود را بر هالیوود متمرکز کرد، در دو سه ساله اخیر از طریق جلب هنرپیشگان و ستاره‌های هالیوود و مشاهیر غرب به شهرت، ثروت و قدرت فراوان دست یافت؛ در نتیجه خانه‌هایی اعیانی در لس آنجلس و مانهاتان خرید و شویوه زندگی پرخرجی را در پیش گرفت. امروزه شبکه فرقه برگ از توکیو تا لندن و بوئنوس آیرس گسترده است و این سازمان، چهل دفتر در سراسر جهان دارد. در سال ۲۰۰۲ دارایی فرقه حدود ۲۳ میلیون دلار تخمین زده می‌شد؛ ولی در سال گذشته تنها در لس آنجلس ۲۶ میلیون دلار ثروت داشت!

این فرقه کابالا این روزها در هالیوود رواج خاصی یافته است: مدونا (خواننده و هنرپیشه معروف هالیوودی) پس از تغییر

کوهن» در نقش یک ریاضیدان یهودی نابغه که رمزشناس اعداد و پیشگوی بازار سهام است، معتقد به وجود یک الگو بین اشیاء (ارگانیسم) می‌باشد. این تفکرات، همان مکتب کابالا را در نظر مجسم می‌کند. او سعی در پیشروی در محاسبات عدد پی (۳/۱۴) دارد، همینطور در سرش صداهایی را می‌شنود و همیشه در توهم زیر نظر گرفته شدن است. «مکس کوهن» در جستجوی یافتن حقیقت اعداد که آن را حقیقت هستی نیز می‌نامد، روز و شب خود را در کابوس و همراه با سردردهای شدید می‌گذراند و با مسکن‌های مختلف سعی در تسکین دردهایش دارد. تنها دغدغه وی، پشت پا زدن به زندگی و رسیدن به الگویی ثابت برای اعداد یا به اصطلاح «حقیقت اعداد» است. شاید رسیدن به حقیقت

ادبیات فراماسونری و فرقه‌های مخفی دیگر اروپا، امریکا و استرالیا نیز بیانگر تاثیر پذیری شدید ماسون‌ها از کابالا است.



به عنوان بزرگ‌ترین چالش و دغدغه انسان اکنون، مورد توجه فیلم می‌باشد. در فیلم ما با سه گروه روبرو هستیم؛ اولی خود «مکس» به عنوان یک ریاضی‌دان که مانند کابالیست‌ها در پی یافتن حقیقت اعداد و حقیقت زندگی است. او به همراه ابر کامپیوترش «اقلیدس» (Euclid) قادر به محاسبه الگوی نهفته در پس تجارت کالاها خواهد شد که به وی این امکان را می‌دهد تا آینده بازار را به دقت پیشگویی کند. موفقیت او، توجه گروه‌های وال استریت و سهامداران بورس که به دنبال فرمولی برای سود سرشار مالی هستند و نیز گروهی مخفی از یهودیان را که به دنبال کلید اسم



کابالا در اکثر موارد، بحث‌هایی از ریاضی و علوم غریبه هم دارد، یعنی طی آن با جایگشت یا بدون جایگذاری بیست و دو حرف الفبای عبری به این روند، تلاش می‌شود تا روابط ریاضی بین اعداد و حروف کشف شود



دین از مسیحیت به یهودیت، نام خود را به «استر» تغییر داد.^{۳۰} استر از زنان اسطوره‌ای یهود بود که با دلبری از خشایارشا در دربار ایران نفوذ کرد و با کمک عموی خود «مردخای» هفتاد هزار نفر از ایرانیان مخالف یهودیان را قتل عام نمود و به قدرت گرفتن یهود در ایران کمک شایانی کرد. یهودیان سالانه در عید پوریم سالگرد این کشتار را جشن می‌گیرند! مدونا تاکنون در وصف خاخام‌های کهن کابالیستی اشعاری را خوانده و آلبوم‌هایی از این دست را منتشر کرده است. او بارها به دیدار مراکز تاریخی یهود در قلب فلسطین اشغالی رفته و با سران صهیونیسم بین‌الملل دیدار داشته است. بار بار استرایسند ۶۲ ساله، الیزابت تیلور ۷۲ ساله، و بریتنی اسپیرز، اشتون کاشر، دایان کیتون، دمی مور، استیلا مک‌کارتنی، پاریس هیلتون، وینونا رایدر، رورین بار، میک جاگر و نیز از ورزشکاران مشهور دیوید بهکام و همسرش ویکتوریا از جمله افراد شاخص هستند که با تلاش این مرکز هالیوودی به عضویت این فرقه در آمدند. فیلم‌های بسیار زیاد دیگری هم در ترویج سحر و جادو و موسیقی‌های شیطانی که برگرفته از عقاید کابالیست‌هاست، در دنیا در حال پخش هستند که می‌توان به آثاری چون «پروژه جادوگر شهر بلر»، «هری پاتر»، «جادوگر جوان» و... اشاره کرد. اکثر این آثار با کاشتن بذر ترس و وحشت در دل مخاطب، وجود جادو را عادی جلوه می‌دهند و به آرمان‌های آخرالزمانی صهیونیسم بین‌الملل یاری می‌رسانند.

منابع و پی‌نوشت‌ها

۱. ترجمه شده از کتابخانه کنگره امریکا (کتاب قبالة).
۲. دکتر ایرج گل‌سرخ، تاریخ جادوگری، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۷۷، تهران، ص ۵۲۷.
۳. هارون یحیی، مقاله داستان حقیقی کابالا، مترجم باران خردمند، مجله موعود، ۱۴ تیر ۱۳۸۵.
۴. همان.
۵. Sefer ha-Zohar
Moses ben Shem Tov de leon که بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۲۴۰ م. می‌زیست.
۷. عبدا... شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۲، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج اول، ۱۳۷۷، تهران، ص ۲۵۲.
۸. بخش عمده اثر، شرح گفتگوهای ادعایی «شمعون بن یوحای» با حلقه مریدان و شاگردانش است که در آن مکاشفات خود و رازهای هستی را فاش می‌کند. این فصل‌ها نام‌هایی چون «ایدرا ربا» (مجمع بزرگ)، «ایدرا زوتا» (مجمع کوچک)، «راز درازین» (راز رازها)،

۱۶. همان، ص ۲۴۷.
۱۷. همان، ص ۲۴۸.
۱۸. Giovanni Pico della Mirandola که بین سال‌های ۱۴۶۳ تا ۱۴۹۴ می‌زیست.
۱۹. برای مطالعه درباره زندگی این کابالیست‌ها، رک: زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۲، صص ۲۹۷ و ۲۹۸.
۲۰. برای مطالعه بیش‌تر، رک: همان منبع و همچنین کتاب پروتستانیزم، پیورتانیزم و مسیحیت صهیونیستی.
۲۱. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۲، ص ۳۷۵.
۲۲. اندیشمند مسلمان ترکیه هارون یحیی یا همان عدنان آکساز که کتب ارزشمند: مبانی فراماسونری/ اقوام هلاک شده/ شوالیه‌های معبد از او به فارسی به ترتیب توسط انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی/ کیهان/ موعود منتشر شده است.
۲۳. مقاله داستان حقیقی کابالا، همان، ص ۲۴.
۲۵. مانده، ص ۴۴.
۲۶. بقره، ۱۰۲.
۲۷. تاریخ جادوگری، ص ۳۱.
- «سبتری توره» (اسرار تورات) و... را بر خود دارد. این مجموعه شامل حدود دو هزار صفحه چاپی است ولی پیروان فرقه کابالا ادعا می‌کنند که این، تنها بخشی کوچک از کتاب اصلی به شمار می‌رود که در گذشته‌های دور، چهل شتر آن را حمل می‌کرد! برای مطالعه بیش‌تر به منبع پیشین مراجعه بفرمایید.
۹. همان منبع.
۱۰. در کتاب تبار انحراف، تدوین و نشر مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعاتی لوح و قلم قم، به زیبایی تفکرات قومی و نژادی برخی یهودیان مبتنی بر تشکیل اسرائیل قبل از ظهور مسیح بن داوود، پیش از تشکیل رسمی صهیونیسم به رهبری تئودور هرتزل، «صهیونیسم تاریخی» نامگذاری شده است.
۱۱. برای مطالعه بیش‌تر، رک: نصیر صاحب خلق، پروتستانیزم، پیورتانیزم و مسیحیت صهیونیستی، نشر هلال، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۴ مراجعه کنید.
۱۲. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۲، ص ۲۴۶.
۱۳. Isaac the Blind
۱۴. Ein sof.
۱۵. همان منبع، ص ۲۴۷.

۳۵. سایت استاد عبد الله شهبازی، مقاله «مدونا کالیست شد»، www.shahbazi.org